

آیات مشکله صرخی قرآن کریم

سؤال اول: نور، ۵۲: ﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾

سؤال: تحلیل صرفی کلمه «یتقه»؟ این کلمه در اصل چه بوده؟ علت سکون «قاف» چیست؟

نکته مهم: حرکت هاء ضمیر به این گونه است:

اگر ماقبل متحرک باشد

۱. آن متحرک مفتوح یا مضموم باشد ← هاء ضمیر مضموم و اشباع می شود:

لَهُو

۲. مکسور باشد ← هاء ضمیر مکسور و اشباع می شود: بِهِ

اگر ماقبل ساکن باشد

۱. آن ساکن، یاء است ← هاء ضمیر مکسور می شود (بدون اشباع): فِيهِ، إِلَيْهِ

۲. غیر آن ← هاء ضمیر مضموم می شود (بدون اشباع): مِنْهُ

در آیه شریفه طبق قاعده باید هاء ضمیر مضموم می شد: يَتَّقُهُ؛ لکن مکسور شده

و این خود دلالت بر این دارد که این کلمه در اصل «يَتَّقِهِ» بوده یعنی ماقبل

از هاء ضمیر متحرک بوده و مکسور.

حال سؤال این است که چرا کسره «قاف» افتاده و ساکن شده؟

اقوال تفاسیر:

کشاف و جوامع الجامع

قرئ: و يتقه، بكسر القاف و الهاء مع الوصل و بغير وصل. و بسكون الهاء. و بسكون القاف و كسر الهاء:

شبه تقه بكتف فخفف، كقوله:

قالت سليمة اشتر لنا سويقا
.....^۱

مجمع البيان (طبرسی)

أما قراءة حفص «وَيَتَّقِهِ» فوجهه أن «تقه» من يتقه مثل «كتف» فكما يسكن نحو كتف كذلك تسكن القاف

من تقه و على هذا قول الشاعر:

عجبت لمولود و ليس له أب و ذى ولد لم يلدَهُ أبوان

و مثله:

فبات منتصبا و ما تكدسا

^۱ در پاورقی این شعر آمده که به جای اِشْتَرْنَا، به ضرورت شعر اِشْتَرْنَا (به سکون راء) خوانده شده.

یعنی در عربی سابقه داشته که فعل امری که مجزوم ناقص بوده حرکتش حذف شود (تشبیهاً بالصحيح السالم).



آیات مشکله صرخی قرآن کریم

فلما أسکن ما قبل الهاء لهذا التشبيه حرك الهاء بالكسر كما حرك الدال بالفتح في لم يله.

البحر المحيط (ابو حیان)

يَتَّقُهُ بسكون القاف و كسر الهاء من غير إشباع أجرى خبر كان المنفصل مجرى المتصل، فكما يسكن علم فيقال علم كذلك سكن و يتقه لأنه تقه كعلم و كما قال السالم:
قالت سليمي اشتر لنا سويقا... يريد اشتر لنا.

اعراب القرآن / شيخلى

علامة جزم «يتقه» حذف آخره - حرف العلة .. الياء - و بقيت الكسرة دالة عليها و حل محل الكسرة المحذوفة السكون تخفيفا.

التبيان في اعراب القرآن (عكبرى، ابوالبقاء)

ذيل اين آيه ساكت است اما گفته كه ذيل آيه ٧٥ آل عمران كه اختلاف قرائت در «يُؤدِّه» را طرح کرده، مطلب را توضیح داده:
يُؤدِّه: فيه خمس قراءات.

١. كسر الهاء و صلتها بياء في اللفظ، و قد ذكرنا علته ها في أول الكتاب.
٢. كسر الهاء من غير ياء، اكتفى بالكسرة عن الياء لدلالاتها عليها، و لأن الأصل ألا يزداد على الهاء شيء، كبقية الضمائر.
٣. إسكان الهاء و ذلك أنه أجرى الوصل مجرى الوقف و هو ضعيف، و حق هاء الضمير الحركة، و إنما تسكن هاء السكت.
٤. ضم الهاء، و صلتها بواو في اللفظ على تبين الهاء المضمومة بالواو لأنها من جنس الضمة كما بينت المكسورة بالياء.
٥. ضم الهاء من غير واو لدلالة الضمة عليها و لأنه الأصل و يجوز تحقيق الهمزة و إبدالها واوا للضمة قبلها.

کتاب ساکت

الجدول (از چند نسخه مختلف الجدول به دست آمد كه تركيب آيه ٥٢ ظاهراً از آن حذف شده و فقط نقش جمل آيه آمده اما از تركيب اين آيه خبری نیست كه ظاهراً بايد اشكال در حين صفحه آرايی پيش آمده باشد)، اعراب القرآن (درويش)، التحرير و التنوير، الميزان، سيوطى و التصريح نیز با توجه به فهرست آیاتى كه در انتهايشان آمده سخنى از اين آيه نگفته اند.

جمع بندى:

از آنچه گذشت، اين نکات به دست می آيد:



گروه طلبگی تا اجتهاد

tt-ej.ir

آیات مشکله صرخی قرآن کریم

۱. این کلمه قطعاً «یتقه» به کسر قاف بوده و در حال حاضر کسره قاف به سکون تبدیل شده است و باید توجیهی برای آن یافت.
 ۲. برای توجیه تغییر حرکت به سکون به اشعاری از عرب استناد شده است که در آنها فعل معتلّ به ضرورت شعری یا علم بدیع چنین تغییراتی را داشته است (کَم یَلِدُهُ به سکون لام به جای کَم یَلِدُهُ؛ اِشْتَر به سکون راء به جای اِشْتَر)
 ۳. مثال «اِشْتَر» به سکون لام نشان می دهد که در عربی می توان بنا به ضرورتی در فعل ناقص حرکت را برای تشابه دادن فعل با افعال صحیح و سالم به سکون تبدیل کرد (اِشْتَر مثل اِذْهَب) بنابراین منعی ندارد که به جای «مَنْ یَتَّقِ» بگوییم: «مَنْ یَتَّقِ» به سکون قاف.
 ۴. برای مشابهت دادن و استیناس بیشتر مخاطب نوعاً تفاسیر ادبی «یتقه» و «یتقه» را به «کتف» تشبیه کرده اند. این کلمه سه شکل در عربی دارد: کَتَف، کَتَف و کَتَف (به سکون تاء در دو وجه اخیر) که مراد آنها این است که اگر حرف مضارعه در «یتقه» را کنار بگذارید، دنباله اش مثل «کتف» و «کتف» است. همینطور برای استیناس گفته اند که «تَقَه» و «تَقَه» مثل «یَلِد» و «یَلِد» در ضرورت شعری است.
 ۵. اما ضرورتی که در این آیه اقتضای سکون قاف را داشته چه بوده؟ تفاسیر ساکنند.
- اقول:** با توجه به اینکه «تقوا» محوری ترین توصیه قرآن (نساء، ۱۳۱) و اهل بیت ع است (جامعه کبیره: و وصیتکم التقوی) لذا در این آیه کلمه «تقوا» تابلو شده تا بیشتر مورد توجه قرار گیرد.
- شاید اشکال کنند که:** اطاعت از خدا و رسول هم همان تقوا است و اتفاقاً فعل «یُطع» در ابتدای آیه نیز اجوف و معتل است و این ظرفیت را داشت که همین نکته را دارا باشد. نیز «یَخش» پس چرا اینها انتخاب نشده؟
- جواب:** تقوا «خودنگهداری» و ملکه درونی است ولی «اطاعت» نمود بیرونی تقواست و «خشیت» از آثار درونی تقوا می باشد. آن چیزی که برای خدا مهم تر است آن ملکه درونی تقواست.



آیات مشکله صرخی قرآن کریم

نتیجه مهم تحقیق

قرآن هر کلمه ای یا عبارتی را به صورت «تابلو» در نمی آورد بلکه آنچه را پررنگ می کند و کاری می کند تا محل بحث ادبا، متکلمین و ... قرار گیرد که دارای اهمیت ویژه ای در دین باشد. این فرهنگ قرآن است. مثلاً به آیه ۱۶۲ نساء دقت کنید:

﴿لَكِنَّ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا﴾

در این آیه شریفه «اقامه صلوة» را در میان همه اوصاف پررنگ کرده تا محل بحث ادبا شود و «ستون دین» یعنی «نماز» پررنگ و مورد توجه باشد.^۲

مسئلاً آنچه از نماز مهمتر است مسأله «ولایت» است.^۳ لذا اگر فرهنگ قرآن را بدانیم آن وقت حکم خواهیم کرد که در قرآن باید دست کم در بعض موارد، مسأله ولایت به صورت «تابلو» در آمده باشد.

اتفاقاً در آیه ۳ مائده^۴ و ۳۳ احزاب^۵ همین اتفاق رخ داده است. در آیه ۳ مائده روشن است که اموری نظیر «یأس کفار از دین اسلام» «خطر ضربه داخلی و دفع خطر ضربه خارجی» «اکمال دین و اتمام نعمت» «رضایت و پسند الهی و مرتضی شدن دین» اموری نیست که به بحث خوراکها مربوط باشد اما با قرار گرفتن این مباحث در دل بحث خوراکها زمینه بحث و گفتگو در میان مفسران و متکلمین باز شده و پیرامون ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام بحثهای مفصلی رخ داده است.

همچنین در آیه ۳۳ احزاب تغییر ضمائر از «جمع مؤنث» به «جمع مذکر» قرینه گویایی است که در این موضع اتفاقی بحث برانگیز رخ داده است.

۲. تمرین: به «التبیین فی اعراب القرآن، عکبری» مراجعه کنید و وجوه شش گانه در نحوه ترکیب «والمقیمین الصلوة» را بیابید.

۳. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَكَمْ يُنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ فَأَخَذَ النَّاسُ بِرَبْعٍ وَتَرَكَوا هَذِهِ يَعْنِي الْوَلَايَةَ (الكافي - اسلامیه، ج ۲، ص ۱۸ باب دعائم الاسلام).

۴. «حَرَمْتَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمُ الْخَنزِيرِ وَمَا أَهْلَ لَغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنَفَةَ وَالْمَوْفُودَةَ وَالْمُتَرَدِّيَةَ وَالتَّطِيحَةَ وَمَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذَكَيْتُمْ وَمَا دُبِحَ عَلَى النُّصَبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكَ فِسْقُ الْيَوْمِ يَسُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَحْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمِهِ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»

۵. «وَقُرْآنٌ فِي بُيُوتِكُمْ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا * وَادْكُرْنَ مَا يُتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ»

